

بررسی ارتباط بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

ناصر حیدریان^۱، طیب کردلو^۲

^۱ حسابرس ارشد مالیاتی، سازمان امور مالیاتی سنندج، ایران

^۲ حسابرس مالیاتی، سازمان امور مالیاتی سنندج، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

ناصر حیدریان

n.hedrian1365@gmail.com

چکیده

اجتناب مالیاتی یکی از مسائل مهم حوزه مالیاتی و حسابداری هر کشور به حساب می آید. شناخت عوامل موثر در اجتناب مالیاتی می تواند، باعث افزایش عدالت مالیاتی و هدایت صحیح سرمایه ها شود. هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در این پژوهش برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از دو روش استفاده شده است که عبارتند از: نرخ مؤثر مالیات نقدی و نرخ مؤثر مالیات نقدی بلند مدت. برای سنجش اهرم مالی نیز از تقسیم بدهی های بلند مدت بر کل دارایی های شرکت استفاده شده است. در این پژوهش داده های ۸۰ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۴ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه های پژوهش از الگوهای رگرسیونی استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، اهرم مالی، نرخ مؤثر مالیات نقدی، نرخ مؤثر مالیات نقدی بلند مدت.

مقدمه

بررسی اجمالی روند تغییرات نقش مالیات در جامعه نشان می دهد که نقش آن در طول زمان بر تمامی شئون زندگی تاثیر گذار بوده و به مرور گسترده تر و کارا تر شده است. هدف از وضع و اخذ مالیات در گذشته تامین مالی دولتها بود، اما به تدریج با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت، مالیات ابزاری برای رشد، ثبات و کاهش نابرابری تلقی گردید. مالیات یکی از عمده متغیرهایی است که دولت با استفاده از آن هم در متغیرهای کلان اقتصاد مانند رشد اقتصادی، تورم، بیکاری و غیره و هم در تخصیص منابع و توزیع درآمد اثر مطلوبی می گذارد. افزایش سهم مالیات در تامین مخارج دولتها باعث کاهش آشکار آثار نامطلوب اقتصادی آن جامعه می شود (پورزمانی و شمسی جامخانه، ۱۳۸۸). در کشورهای پیشرفته مالیات اهرمی قوی برای اعمال سیاستهای مالی و اقتصادی، فعالیتهای اجتماعی و تامین هزینه های دولت محسوب می گردد به عبارت دیگر مالیات به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دولت در اقتصاد، نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیتهای اقتصادی است که نصیب دولت می گردد زیرا ابزار و امکانات دستیابی به این درآمد و سود ها را دولت فراهم ساخته است (دوانی، ۱۳۸۰). از نظر دیوید هیوم، فیلسوف معروف انگلیسی، مالیات بها و جبران خدماتی است که از دستگاه دولت عاید اشخاص می گردد. امروزه در کلی ترین تعریف مالیات: یک نوع هزینه اجتماعی به شمار می رود که افراد جامعه به تناسب استفاده از این هزینه اجتماعی باید تقبل پرداخت آن را نمایند. پرودون در کتاب مالیات کلمه مبادله را صریحاً ذکر کرده و می گوید «همانطور که بین اشخاص مبادله خدمات می شود بین اشخاص و دولت هم با پرداخت مالیات، مبادله خدماتی می گردد». اشخاص و شرکتهای همیشه مالیات را به عنوان یک هزینه در نظر گرفته اند و همواره در جهت کاهش آن تلاش کرده اند، اما گروهی از طریق گریز از پرداخت مالیات و فرار مالیاتی و عده ای نیز از طریق راههای قانونی اقدام به صرفه جویی در پرداخت مالیات می نمایند که همان اجتناب از مالیات است. اجتناب از مالیات توسط محققان مختلف به صورت متفاوت تعریف شده است، به عنوان مثال دسای و همکاران (۲۰۰۹) اجتناب از مالیات را به عنوان کاهش آشکار در هر ریال سود قبل از مالیات تعریف می کنند. اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه ریزی مالی استراتژیک است که در برگزیده فعالیتهای کاملاً قانونی است، مثل سرمایه گذاری در اوراق مشارکت دولتی که درآمد حاصل از آن معاف از مالیات است. فعالیتهای اجتناب از مالیات اساساً تحت عنوان شیوه هایی برای جلوگیری از انتقال وجه نقد از سهامداران بسوی دولت شناخته می شود. با توجه به مباحث ذکر شده در بالا، در این پژوهش به دلیل احساس نیاز برای غنی شدن ادبیات حسابداری در این زمینه، به تبیین رابطه بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی در شرکتها پرداخته می شود.

ساختار بقیه مقاله به این صورت است که در بخش بعدی مبانی نظری تحقیق ذکر خواهد شد. در بخش سوم پیشینه تحقیق ارائه خواهد شد. در بخش چهارم روش شناسی تحقیق بیان خواهد شد. این بخش شامل جامعه و نمونه آماری، فرضیه تحقیق، مدل و متغیرهای تحقیق می باشد. در بخش پنجم یافته های پژوهش ارائه می گردد و در بخش پایانی نیز نتایج حاصل از فرضیه تحقیق و در نهایت نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها ارائه خواهد شد.

۱- مبانی نظری

یکی از اقلام حسابداری که در گزارشهای مالی (ترازنامه) تهیه و ارائه می شود بدهی ها است. معمولاً بدهی ها به عنوان عاملی برای پیش بینی و از همه مهمتر راهنمایی برای سرمایه گذاری و تصمیم گیری به شمار می آید با توجه به موارد مذکور عوامل موثر بر تصمیمات سرمایه گذاری دارای اهمیت خواهد بود و پژوهش حاضر در همین راستا انجام گرفته است (خوش طینت و اسماییلی، ۱۳۸۵). تامین مالی شرکتهای نیز یکی از چالش برانگیزترین مباحث حوزه بازارهای سرمایه است. تامین مالی از محل وام دارای چندین نقطه قوت است نخست، بهره مشمول مالیات نمی شود و همین امر باعث خواهد شد که هزینه موثر وام کم شود دوم بازده دارندگان اوراق قرضه ثابت و مشخص است، بنابراین، اگر سود شرکت بسیار زیاد شود، دارندگان سهام عادی الزامی ندارند که دارندگان اوراق قرضه را هم در این سود سهیم نمایند. سرانجام دارنده اوراق قرضه حق رای ندارد، بنابراین، سهامداران می توانند با پول کمتر کنترل بیشتری را بر شرکت اعمال نمایند. تهیه منابع مالی از طریق وام دارای نقاط ضعفی هم هست. نخست، هر چه قدر نسبت وام بیشتر شود، ریسک شرکت بالاتر خواهد رفت و در نتیجه هزینه استقراض بیشتر خواهد شد. در یک نقطه، افزایش نرخ بهره می تواند مزیت ناشی از مالیات وام را تحت الشعاع قرار دهد. دوم، اگر شرکت با وضعی ناگوار روبرو شود، با سود عملیاتی بدان اندازه نباشد که بتوان هزینه های بهره را پوشش داد، در آن صورت، سهامداران متحمل کسر و کمبود ایجاد شده خواهند شد و اگر آنها از عهده این کار بر نیایند، شرکت ناگزیر اعلان ورشکستگی خواهد کرد. در برخی کشورها هر قدر نسبت وام بیشتر شود، ریسک

بالتر خواهد رفت و به تبع آن نرخ بازده مورد انتظار وام دهندگان و نرخ هزینه وامها نیز افزایش می یابد که این امر می تواند مزیت ناشی از معافیت های مالیاتی را تحت شعاع قرار دهد (انصاری و بیدسکان، ۱۳۹۱).

با فرض عدم وجود مالیات بر درآمد، ارزش یک شرکت بدهی دار (اهرمی) با ارزش یک شرکت فاقد بدهی (غیر اهرمی) برابر است. مودیگلیانی و میلر در سال ۱۹۶۳ با لحاظ نمودن عامل مالیات بر درآمد شرکت (و نه هزینه های ورشکستگی) در نظریه اول خود تجدید نظر نمودند. در این نظریه، به این نتیجه رسیدند که چون استقراض یک سپر مالیاتی برای شرکت ایجاد می کند، لذا باید انتظار داشت شرکتها از بین منابع مختلف تامین مالی، ترجیحاً از استقراض بهره ببرند زیرا استفاده بیشتر از استقراض موجب افزایش ارزش شرکت خواهد شد، به عبارت دیگر ارزش شرکت تابع مستقیمی از میزان استقراض یا اهرم مالی آن می شود (مودیگلیانی و میلر^۱، ۱۹۶۳).

اهرم مالی یکی از ویژگی های شرکت می باشد که ممکن است بر اختلاف مالیات ابرازی و قطعی اثرگذار باشد زیرا شرکتها سعی می کنند با استفاده از هزینه بهره ناشی از بدهی، مالیات خود را مدیریت نمایند. با توجه به آنکه هزینه مالیات شرکت ها تابعی مستقیم از عملکرد و سود آنها می باشد، از این رو می توان انتظار داشت شرکت های با سودآوری بیشتر، بیش از سایرین در پی مدیریت مالیات و کاهش هزینه مالیات خود باشند زیرا به طور طبیعی چنین شرکت هایی باید مالیات بیشتری پرداخت نمایند که ممکن است منجر به اجتناب های مالیاتی شود. و مزیت دیگر اهرم مالی این است که پذیرش بهره به عنوان نوعی هزینه، باعث صرفه جویی مالیاتی می گردد. همچنین، اثرات مالیاتی گزینش نوع ساختار سرمایه بر توان سودآوری واحد تجاری و در نتیجه تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان صورت های مالی تاثیرگذار بوده و لذا اطلاعات مرتبط با مالیات، اطلاعاتی مربوط به شمار می آید (هاشمی و مهربانی ۱۳۸۷، ۱۴۳).

تحقیقات مالی اهرم را به عنوان میزان بدهی که به منظور تامین منابع مالی مورد نیاز برای کسب دارایی مورد نیاز کسب می گردد، تعریف کرده است (هامپتون، ۲۰۰۱). بنابر تعریف مذکور، شرکت ها از لحاظ تامین مالی در قالب شرکت های با درجه اهرم مالی بالا و پایین قابل تعریفند (می یز، ۱۹۹۶). به عقیده داگلاس (۲۰۰۱)، اهرم مالی توانایی تغییر بازده و ریسک شرکت ها را داراست، بنابراین ساختار سرمایه هر شرکت با اهرم مالی آن رابطه ای متقابل و تنگاتنگ دارد. لذا استفاده شرکت ها از شیوه های مختلف تامین مالی منوط به وجود شرایط و اثر متغیرهای اقتضایی است که گاهی بر اساس موقعیت و برای جهت گیری شرکت ها در بازار و نیز ارزیابی آنها از طرف موسسات تامین اعتبار به وجود می آید. اما لزوم توجه به تئوری نمایندگی در این است که تعارض دارندگان سهام، مالکین، گردانندگان و نیز صاحبان اوراق قرضه بر تصمیم گیری تامین سرمایه و سرمایه گذاری موثر است. (جنس و مک لینگ، ۱۹۷۶، می یز، ۱۹۷۷) موور و سرکار (۲۰۰۴) نیز بیان می کنند که مقدار بدهی از طریق تخفیف مالیاتی بهره پرداختنی، هزینه های ورشکستگی و هزینه های نمایندگی به وجود می آید که این امر در زمان بندی تصمیمات سرمایه گذاری و ارزش شرکت موثر است. توماس جاننیک و آنیل ماخيجا (۲۰۰۴) بیان می دارند که : افزایش قابل توجه اهرم مالی ممکن است نشانه ای از تعهد مدیریتی به منظور بهبود عملکرد باشد. بنابراین ارزش شرکت و اهرم مالی می توانند رابطه مثبت با هم داشته باشند.

اما از طرف دیگر بایستی توجه نمود که اجتناب مالیاتی متأثر از بسیاری متغیر های دیگر می باشد که شناخت آنها می تواند اطلاعات مفیدی برای تصمیم گیری سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه و سایر ذینفعان فراهم آورد که یکی از این متغیر ها اهرم مالی بود اما اجتناب مالیاتی چیست، اجتناب مالیاتی استفاده از روشهای قانونی برای تغییر وضعیت مالی فرد به منظور کاهش میزان مالیات بر درآمد بدهکار یا استفاده از ابزارهای قانونی به پرداخت حداقل مقدار مالیات ممکن است. اجتناب از مالیات نوعی صرفه جویی در پرداخت مالیات های عمومی است که قانونی بودن آن مورد تردید است و به مفهوم انجام معاملاتی برای به حداقل رساندن بدهی های مالیاتی از طریق جلوگیری از انتقال وجه نقد از سهامداران به دولت شناخته می شود (دسای و دارماپالا^۲، ۲۰۰۶).

شرکتهای دارای اجتناب از مالیات ممکن است دارای اهرم مالی بالاتر باشند و کاهش نرخ مالیات موثر نقدی خود را حفظ کنند، اجتناب از مالیات تاثیر قوی از اهرم مالی دارد. نتایج نشان می دهد شرکتهای با حول و حوش سابقه از بدهی در ساختار سرمایه خود استفاده می کنند (هرینگتون و اسمیت^۳، ۲۰۱۲).

برای دید جامع نسبت به مساله لازم است توجه شود که اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی تاثیر گذار است به این ترتیب که شرکت های بزرگ معمولاً فروش بیشتری نسبت به شرکت های کوچک دارند و انگیزه های بیشتری برای اجتناب از پرداخت مالیات در آنها وجود دارد. با فرض اینکه منافع مدیران و مالکان هم جهت باشد؛ می توان انتظار داشت که مدیران دنبال حداکثر کردن منافع و سودآوری شرکت باشند، در نتیجه

¹. Miller and mdigliani(mm)

²-Desai and dharmapala

³-Harrington and smith

کاهش در پرداخت مالیات را ارزش تلقی نموده و همواره مایل به کاهش میزان مالیات پرداختی می باشند و از این طریق به اهرم مالی شرکت روی می آورند که با استفاده درست و بهینه از آن ممکن است منفای را برای شرکت به دنبال داشته باشد. ما در این تحقیق به دنبال این مطلب هستیم که ارتباط بین اهرم مالی را با اجتناب مالیاتی شرکتها نشان دهیم و به دنبال این مطلب هستیم به این سوال پاسخ دهیم که آیا در بازار بورس ایران موضوع استفاده از بدهی در ساختار سرمایه، آن چنان که در بازارهای خارج از کشور اهمیت دارد، مهم است؟ به عبارت دیگر آیا اهرم مالی در ساختار سرمایه شرکتها مالیات شرکتها را تحت تاثیر قرار می دهد؟ و اگر تاثیر دارد چه نوع تاثیری است؟

۱-۱. نرخ موثر مالیات و تصمیمات تامین مالی و سرمایه گذاری شرکت

تصمیمات تامین مالی شرکت می تواند بر نرخ موثر مالیاتی تاثیر بگذارد. به عنوان مثال تصور کنید که یک شرکت، عمده منابع مالی خود را به جای سرمایه از طریق بدهی تامین مالی کند، از آنجا که هزینه های بهره مالیات کاه هستند ولی سود پرداختی این حالت را ندارد، انتظار می رود که شرکت مزبور دارای نرخ موثر مالیاتی پایین تری باشد (گوپتا و نیوبری، ۱۹۹۷ و استیک نی و مک گی، ۱۹۸۲). تصمیمات سرمایه گذاری شرکت نیز می تواند بر نرخ موثر مالیاتی تاثیر بگذارد. همان طور که قوانین مالیاتی نیز به مودیان اجازه می دهد که بهای تمام شده دارائی هایشان را طی دوره های زمانی کمتر از عمر اقتصادی آنها مستهلک کنند. بنابراین انتظار بر این است که شرکت هایی که دارای شدت سرمایه گذاری بالاتری هستند، نرخ موثر مالیاتی پایین داشته باشند

(استیک نی و مک گی، ۱۹۸۲). از آنجا که موجودی کلای پایان دوره دارای تاثیر مستقیمی بر سود می باشد این انتظار می رود که شرکتهای دارای سرمایه گذاری زیاد در موجودی کالا دارای نرخ موثر مالیاتی بیشتری باشند (زیمرمن^۴، ۱۹۸۳). و در نهایت اینکه مخارج تحقیق و توسعه یک سپر (پوشش) مالیاتی را برای شرکت های دارای مخارج تحقیق و توسعه زیاد به وجود می آورد. این تحلیل، رابطه منفی بین نرخ موثر مالیات و مخارج تحقیق و توسعه را ارائه می کند (گوپتا و نیوبری، ۱۹۹۷: استیک نی و مک گی^۵، ۱۹۸۲).

۲- پیشینه تحقیق

استیک نی و مک گی (۱۹۸۲) طی تحقیقی، نرخ موثر مالیاتی شرکت ها و تاثیر اندازه شرکت، شدت سرمایه گذاری، اهرم مالی و سایر عوامل بر نرخ موثر مالیات را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تجربی تحقیق آنها حاکی از آن است که موسسات و شرکت های دارای نرخ های موثر مالیات پایین تر، تمایل به استفاده بیشتری از بدهی در تامین مالی دارند. هم چنین این گونه شرکت ها از شدت سرمایه گذاری بالاتری برخوردار هستند و زمینه فعالیت آنها داخلی است. هم چنین نتایج تحقیق آنها نشان داد که اندازه و میزان فعالیت خارجی شرکت ها تاثیری در نرخ موثر مالیات آنها ندارد.

شیه (۱۹۹۶) نشان داد که بدهی های مالیاتی بر ساختار سرمایه شرکت ها تاثیر می گذارد. او به آزمون اثر بدهی های مالیاتی بر اهرم مالی شرکت ها می پردازد. نتایج تحقیق او نشان می دهد که بدهی های مالیاتی با اهرم مالی شرکت ها رابطه معکوس دارد. ریسک بالای مربوط به بدهی های مالیاتی سبب کاهش استفاده از اهرم مالی می شود.

نتایج تحقیق گوردون و لی (۲۰۰۱) نشان می دهد که مالیات رابطه قوی و معنی داری با سطح بدهی شرکت دارد. به ویژه تفاوت نرخ مالیاتی شرکت های بزرگ و نرخ مالیاتی شرکت های کوچک (۳۴ درصد در برابر ۱۵ درصد) باعث می شود که شرکت های بزرگ که نرخ مالیاتی بیشتری دارند نسبت به شرکت های کوچک که نرخ مالیاتی کمتری دارند برای تامین مالی دارایی های خود از تامین مالی از طریق ایجاد بدهی بیشتر استفاده کنند.

دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) به رابطه منفی بین میزان پاداش مدیران و میزان پوشش مالیاتی اشاره کرده اند. این رابطه منفی ابتدا در مورد آن دسته از واحدهای تجاری صدق می کند که دارای حاکمیت شرکتی ضعیف هستند. پرداخت پاداش به مدیران باعث می شود که آنها جهت برنامه ریزی مالیاتی شرکت به منظور اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر تشویق شوند و عملکرد خود را جهت اجتناب از مالیات بهبود بخشند. رابطه منفی بین میزان پرداخت پاداش به مدیران و اجتناب مالیاتی به دلیل ایجاد هزینه های نمایندگی بیانگر این مطلب است که در شرکتهای با حاکمیت شرکتی ضعیف، میزان کاهش سپر مالیاتی در برابر تمایل به فرار از پرداخت مالیات با هم تها تر می شوند.

⁴- Zimmermanj

⁵- Stickney. mcgee

وو و یو (۲۰۰۷) در تحقیق خود به بررسی این موضوع می پردازند که شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین چگونه ساختار سرمایه خود را در پاسخ به افزایش نرخ مالیات اصلاح می کنند. وو و یو در تحقیق خود به بررسی افزایش نرخ مالیات بر ساختار سرمایه شرکت هایی می پرداختند که قبلاً "توسط دولت چین به آنها تخفیفات مالیاتی تعلق گرفته بود. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که این شرکت ها با افزایش نرخ مالیات، اهرم مالی خود را افزایش می دهند. شواهد حاکی از این موضوع می باشد که بیشترین افزایش در اهرم مربوط به شرکتهایی است که دسترسی بالایی به وام های بانکی دارند.

تائو زنگ (۲۰۱۰) طی تحقیقی رابطه بین نرخ موثر مالیات و برخی از ویژگی های شرکت را در کشور چین و در نمونه ای متشکل از ۵۴۴ شرکت عضو بورس اوراق بهادار آن کشور بررسی کرده است. بر اساس نتایج تحقیق وی، رابطه معناداری بین شرکت ها و صنعت مربوطه وجود دارد. در ادامه تائو زنگ رابطه بین برخی از ویژگی های شرکت های نمونه را با نرخ موثر مالیاتی سنجیده است. با توجه به تحقیق وی شرکت های بزرگ سعی دارند که مالیات کمتری را بپردازند، به عبارتی رابطه معنی دار و منفی بین نرخ موثر مالیاتی و اندازه شرکت وجود دارد. وی برای سنجش سایر ویژگی های شرکت در این تحقیق از قبیل اهرم مالی، سودآوری و شدت سرمایه گذاری شرکتهای نمونه را به شرکتهای کم مالیات، پر مالیات و شرکت های با نرخ موثر مالیات متوسط طبقه بندی کرده است. یک بررسی اولیه در تحقیق وی نشان می دهد که تفاوت معناداری بین نرخ موثر مالیاتی در شرکت های کم مالیات و پر مالیات وجود دارد. تحقیق تائو زنگ نشان می دهد که رابطه منفی و معناداری بین نرخ موثر مالیاتی با اندازه شرکت، سودآوری و شدت سرمایه گذاری وجود دارد و از طرفی رابطه مثبت و معناداری بین نرخ موثر مالیاتی با اهرم مالی وجود دارد، به عبارتی شرکت های بزرگ و سودآور تمایل به پرداخت مالیات کمتری دارند. شدت سرمایه گذاری بیشتر برای شرکت های با نرخ موثر مالیاتی کمتر با این ایده مطابق است که سرمایه گذاری در دارایی های ثابت باعث افزایش هزینه استهلاک می شود و به تبع آن باعث صرفه جویی مالیاتی می شود. اگر چه هزینه های بهره، مالیات کاه هستند ولی تحقیق تائو زنگ نشان می دهد که رابطه مثبت و معناداری بین نرخ موثر مالیات و اهرم مالی شرکت وجود دارد. یکی از علت های این نتیجه می تواند ناشی از این امر باشد که هزینه های بهره تعهدی هستند و تا زمانی که پرداخت نشوند از نظر مالیاتی باعث کاهش مالیات نمی شوند.

عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی پرداختند. در این مطالعه با تاکید بر موضوع شفافیت گزارشگری مالی، به بررسی ارتباط آن با گزارشگری مالیاتی پرداخته شده است. نتایج پژوهش فوق بیانگر وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بوده است، به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تامین خواهد شد.

رضایی و قنایی نژاد (۱۳۹۱) رابطه شفافیت در گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت ها را بررسی کردند و نشان دادند که رابطه معکوس میان اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت در زمانی که معیار سنجش اجتناب مالیاتی نرخ مؤثر مالیات نقدی بلند مدت باشد وجود دارد، که از نظر آماری معنا دار است و در زمانی که اجتناب مالیاتی با نرخ مؤثر مالیات نقدی یا اختلاف دائمی مالیات سنجیده می شود، رابطه معناداری میان ارزش شرکت و اجتناب مالیاتی وجود ندارد، همچنین بین اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری رابطه معناداری مشاهده نشد.

گل محمدی شورکی (۱۳۹۱) در مطالعه ای به بررسی رابطه بین نرخ موثر مالیات و ویژگیهای شرکت پرداخت. نتایج تحقیق او نشان می دهد که میانگین نرخ موثر مالیات با در نظر گرفتن تمام شرکتهای تحقیق به نرخ قانونی مالیات بر درآمد نزدیک می باشد. لیکن نتایج تحقیق با در نظر گرفتن صنعتی که شرکت در آن فعالیت می کند نشان داد که تقریباً هر صنعت دارای نرخ موثر مالیاتی مخصوص به خود می باشد. هم چنین نتایج تحقیق وی حاکی از آن بود که بین نرخ موثر مالیات و اندازه شرکت و سودآوری رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و با اهرم مالی رابطه مستقیم و معنی داری بر قرار است. در ضمن بین نرخ موثر مالیات و شدت سرمایه گذاری و ساختار مالکیت رابطه معنی داری مشاهده نشد.

میرزازاده (۱۳۹۲) در پژوهشی رابطه بین سودآوری و اجتناب مالیاتی در شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند، نتایج بدست آمده حاکی از آن است که نسبت سودآوری با متغیرهای نرخ موثر مالیات نقدی، نرخ موثر مالیات نقدی بلندمدت و اختلاف دائمی مالیاتی رابطه معناداری دارد. همچنین اندازه شرکت بر رابطه بین نسبت سودآوری با متغیرهای نرخ موثر مالیات نقدی، نرخ موثر مالیات نقدی بلندمدت تأثیر معناداری دارد ولی بر رابطه بین نسبت سودآوری و اختلاف دائمی مالیاتی اثر معناداری ندارد.

۳- روش شناسی تحقیق

این تحقیق براساس هدف از نوع کاربردی و از نظر اجزاء، از نوع تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر استراتژی همبستگی است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه های تحقیق از الگوهای رگرسیونی استفاده شده است. اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق و مباحث نظری از طریق منابع کتابخانه ای و پایگاه های علمی و مقالات داخلی و خارجی گردآوری شده است. داده های مورد نیاز برای آزمون فرضیه ها، از نرم افزار تدبیر پرداز و همچنین صورتهای مالی شرکت ها استخراج شد و پس از آماده سازی داده ها در نرم افزار Excel، تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه ها توسط نرم افزار آماری Eviews 8 انجام شده است.

۱-۳. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه شرکت های غیرمالی (تولیدی) پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۲ هجری شمسی تا پایان سال ۱۳۹۰ هجری شمسی می باشد.

نمونه های مورد مطالعه در این تحقیق با استفاده از روش غربالگری و با توجه به معیارهای زیر انتخاب می گردد:

- ۱ - اطلاعات کامل هریک از شرکتهای مورد مطالعه طی قلمرو زمانی تحقیق موجود باشد.
 - ۲ - شرکت ها در طول دوره ی تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشند.
 - ۳ - شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی از نمونه حذف می شود، به این دلیل که ساختار عملیاتی این شرکت ها برای اندازه گیری این تحقیق مناسب نیست.
 - ۴ - پایان سال مالی شرکت های مورد مطالعه ۲۹ یا ۳۰ اسفندماه باشد.
 - ۵ - باید برای هر صنعت حداقل ۴ شرکت وجود داشته باشد.
 - ۶ - ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت باید مثبت باشد.
 - ۷ - وقفه معاملاتی حداکثر ۶ ماه باشد.
- با اعمال شرایط فوق تعداد ۸۰ شرکت (معادل ۷۲۰ سال - شرکت) جهت برآورد مدل ها و آزمون فرضیه های تحقیق انتخاب شده اند.

۲-۳. فرضیه های تحقیق

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق که در قسمت های قبل توضیح داده شد و به منظور حصول اهداف پژوهش فرضیه های زیر در نظر گرفته شده است.

فرضیه های اصلی:

بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی در شرکت ها رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه های فرعی :

- ۱-۱ بین اهرم مالی و نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR) در شرکتهای رابطه معنادار وجود دارد.
- ۲-۱ بین اهرم مالی و نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت (LCETR) در شرکت ها رابطه معنادار وجود دارد.

۳-۳. مدل و متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیه اول (ارتباط بین اهرم مالی و CETR) از الگوی شماره ۱ استفاده خواهد شد.
 الگوی شماره ۱

$$CETR = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Leverage it} + \alpha_2 \text{Sizeit} + \alpha_3 \text{ROAit} + \alpha_4 \text{LIQit} + \alpha_5 \text{market-to-bookit} + \epsilon \text{it}$$

برای آزمون فرضیه دوم (ارتباط بین اهرم مالی و LCETR) از الگوی شماره ۲ استفاده خواهد شد.
 الگوی شماره ۲

$$LCETR = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Leverage it} + \alpha_2 \text{Sizeit} + \alpha_3 \text{ROAit} + \alpha_4 \text{LIQit} + \alpha_5 \text{market-to-bookit} + \epsilon \text{it}$$

۳-۳-۱. متغیرهای وابسته و نحوه محاسبه آن

الف. نرخ موثر مالیات نقدی (CETR) : از تقسیم وجه نقد پرداختی بابت مالیات بر سود قبل از کسر مالیات به دست آمده است.

ب: نرخ موثر مالیات نقدی بلند مدت (LCETR) : از تقسیم مجموع وجه نقد پرداختی بابت مالیات در طی ۳ سال بر مجموع سود قبل از کسر مالیات در طی همان دوره به دست آمده است.

۳-۳-۲. متغیر مستقل و نحوه محاسبه آن

در این تحقیق متغیر مستقل اهرم مالی (Leverage) می باشد که عبارت است از نسبت بدهی های بلند مدت بر مجموع دارایی ها است.

۳-۳-۳. متغیرهای کنترلی و نحوه محاسبه آن

الف) سودآوری (ROA) :

از نظر بسیاری از سهامداران، مهمترین عامل برتری یک شرکت، میزان سودآوری آن است. یکی از متغیرهایی که با استفاده از آن سودآوری شرکت سنجیده می شود نرخ بازده دارایی ها است. نرخ بازده دارایی ها از تقسیم سود عملیاتی به مجموع دارایی ها محاسبه شده است.

ب) اندازه شرکت (SIZE) :

در این تحقیق برای سنجش اندازه شرکت از لگاریتم کل داراییهای شرکت استفاده شده است.

ج) نسبت نقدینگی (LIQ) :

توانایی و قدرت پرداخت شرکت را در مورد واریز بدهی های کوتاه مدت اندازه گیری می کند. در این تحقیق برای سنجش نسبت نقدینگی شرکت از تقسیم جمع دارایی های جاری بر جمع بدهی های جاری استفاده شده است.

د) نسبت ارزش بازار سهام عادی به ارزش دفتری سهام عادی (market-to-book) :

حاصل تقسیم قیمت بازار سهام به ارزش دفتری هر سهم معیار جدید به دست می آید که بر اساس آن می توان دریافت سهام چند برابر ارزش دفتری آن مورد معامله قرار می گیرد. در بورس هرگاه وضعیت کل اقتصاد به خاطر بحران های مختلف سیاسی و غیره، نامطلوب می گردد و ارزش سهام دچار نزول می شود، سهام بسیاری از شرکت ها تقریباً برابر با ارزش دفتری آنها معامله میشوند. در این مواقع افراد هوشمند اقدام به جمع آوری سهام می نمایند. لذا این نسبت در بسیاری از مواقع می تواند محک مناسبی برای اقدام به سرمایه گذاری تلقی گردد. در بسیاری از مواقع مثلاً هنگامی که شرکت ها زیان دارند نمی توان عملکرد آنها را با نسبت قیمت به درآمد هر سهم سنجید، در این شرایط نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام معیار مناسبی برای سنجش عملکرد و همچنین ارزش ایجاد شده برای سهامدار را نشان می دهد. طبق تحقیقاتی که فاما و فرنچ انجام داده اند این معیار، نسبت به سایر متغیرهای مالی معیاری با ثبات تر و قابل اتکاتر می باشد.

۴- یافته های پژوهش**۴-۱. نتایج آمار توصیفی**

نگاره (۱): آماره های توصیفی تحقیق

متغیرها	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
CETR	۰/۲۱	۰/۱۴	۲/۲۱	۰/۰۰	۰/۳۱
LCETR	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۶۳	۰/۰۱	۰/۱۰
LEV	۰/۶۴	۰/۶۶	۱/۰۲	۰/۱۱	۰/۱۸
SIZE	۱۳/۲۱	۱۳/۰۴	۱۷/۹۶	۱۰/۱۴	۱/۴۷
ROA	۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۵۲	-۰/۰۳	۰/۱۱

<u>۰/۵۱</u>	<u>۰/۲۸</u>	<u>۳/۴۴</u>	<u>۱/۱۳</u>	<u>۱/۲۰</u>	<u>LIQ</u>
<u>۳/۹۸</u>	<u>-۰/۰۳</u>	<u>۲۸/۵۲</u>	<u>۲/۳۶</u>	<u>۳/۵۹</u>	<u>MB</u>

نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره ۱ آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخصهای مرکزی، نظیر مقدار حداقل، حداکثر، میانگین، میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی، نظیر انحراف معیار است. مهمترین شاخص مرکزی، میانگین است. که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان داده مرکزیت داده هاست. نتایج نشان می دهد که میانگین نرخ موثر مالیات نقدی از میانگین نرخ موثر مالیات نقدی بلند مدت بیشتر است و مقدار آن نشان می دهد که به طور متوسط شرکتهای مورد نظر تقریباً "۲۱٪ از سود خود را مالیات پرداخت می کنند. به طور متوسط شرکتهای نمونه به ازای هر ریال سرمایه گذاری در دارایی ها حدود ۱۷٪ ریال بازدهی کسب کرده اند. تقریباً "حدود ۶۴٪ از دارایی ها از محل بدهی ها تامین مالی شده است.

۲-۴. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها

۴-۲-۱. نتایج برآورد الگو (۱) و آزمون فرضیه فرعی (۱-۱)

جهت آزمون فرضیه فرعی (۱-۱)، مدل (۱) با رویکرد داده های ترکیبی برآورد شده است. عدم معناداری آماره لیمیر (۰/۸۶) نشان می دهد که مدل (۱) می بایست به روش مقید^۶ برآورد شود. نتایج برآورد مدل (۱) با روش مذکور در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج برآورد مدل (۱)

$$CETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 LEV_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LIQ_{it} + \beta_5 MB_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	ضریب	آماره تی استیودنت	معناداری	شاخص VIF
عرض از مبدا	۰/۱۳***	۲/۹۸	۰/۰۰	---
LEV	۰/۲۳***	۱۳/۷۳	۰/۰۰	۱/۵۸
SIZE	-۰/۰۱**	-۲/۸۲	۰/۰۱	۱/۰۶
ROA	-۰/۳۶***	-۸/۱۸	۰/۰۰	۱/۹۳
LIQ	۰/۰۴***	۶/۵۱	۰/۰۰	۱/۷۱
MB	۰/۰۰۰۴	-۰/۴۲	۰/۶۸	۱/۶۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۲۸/۵۵٪			
آماره فیشر (معناداری)	۵۸/۴۷*** (۰/۰۰)			
آماره لیمیر (معناداری)	۰/۸۶ (۰/۵۵)			
دوربین - واتسون	۱/۵۳			

*** و ** به ترتیب معناداری در سطح ۱٪ و ۵٪

نتایج ارائه شده نشان می دهد که عرض از مبدا (۰/۱۳) و ضریب متغیرهای اهرم مالی (۰/۲۳)، نرخ بازده دارایی ها (۰/۳۶-) و نسبت نقدینگی (۰/۰۴) در سطح ۱٪ و ضریب متغیر اندازه شرکت (-۰/۰۱-) در سطح ۵٪ معنادارند. مقدار شاخص عامل تورم واریانس^۷ نیز نشان می دهد که متغیرهای مستقل مدل (۱) با هم مشکل همخطی ندارند^۸. همچنین، مقدار آماره دوربین واتسون^۹ (۱/۵۳) حاکی از عدم وجود مشکل

^۶-Pooled

^۷-Variance Inflation Factor (VIF)

^۸ - زمانی که مقدار آماره VIF کمتر از ۵ (در برخی دیگر از منابع عدد ۱۰ نیز ذکر شده است) باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد (کاتنر، ۲۰۰۴).

خودهمبستگی سریالی در اجزای مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و برای آزمون فرضیه فرعی (۱-۱) می توان به آن اتکا نمود.

معناداری آماره فیشر (۵۸/۴۷) در سطح ۱٪ بیانگر معناداری کلی مدل تحقیق است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می دهد که متغیرهای مستقل حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می نمایند. معناداری ضریب متغیر اهرم مالی (۰/۲۳) نشان می دهد که بین اهرم مالی و نرخ موثر مالیات نقدی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این موضوع به معنای عدم رد فرضیه فرعی (۱-۱) است.

با توجه به سطح معناداری اندازه شرکت می توان گفت که رابطه معنادار و منفی در سطح اطمینان ۹۵٪ بین متغیر اندازه شرکت و نرخ موثر مالیات نقدی وجود دارد. همچنین با توجه به سطح معناداری سودآوری می توان گفت که رابطه معنادار و منفی در سطح اطمینان ۹۹٪ بین متغیر سودآوری و نرخ موثر مالیات نقدی وجود دارد. و در آخر با توجه به سطح معناداری نسبت نقدینگی می توان گفت که رابطه معنادار و مستقیم در سطح اطمینان ۹۵٪ بین متغیر نسبت نقدینگی و نرخ موثر مالیات نقدی وجود دارد.

۲-۲-۴. نتایج برآورد مدل (۲) و آزمون فرضیه فرعی (۲-۱)

برای آزمون فرضیه فرعی (۲-۱)، مدل (۲) با رویکرد داده های ترکیبی برآورد شده است. معناداری آماره لیمیر (۲/۳۳) در سطح ۱٪ و عدم معناداری آماره هاسمن (۸/۴۷) نشان می دهد که مدل (۲) می بایست با رویکرد اثرات تصادفی برآورد شود. نتایج برآورد مدل (۲) با روش مذکور در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره (۳): نتایج برآورد مدل (۲)

$$LCETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 LEV_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LIQ_{it} + \beta_5 MB_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	ضریب	آماره تی استیودنت	معناداری	شاخص VIF
عرض از مبدا	۰/۱۳***	۳/۰۱	۰/۰۰	---
LEV	۰/۱۷***	۶/۷۰	۰/۰۰	۱/۵۸
SIZE	-۰/۰۱***	-۲/۹۵	۰/۰۰	۱/۰۶
ROA	-۰/۱۲**	-۲/۶۴	۰/۰۱	۱/۹۳
LIQ	۰/۰۴***	۴/۳۹	۰/۰۰	۱/۷۱
MB	-۰/۰۰۳**	-۲/۶۷	۰/۰۱	۱/۶۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۱۱/۹۱٪			
آماره فیشر (معناداری)	۲۰/۴۵*** (۰/۰۰)			
آماره لیمیر (معناداری)	۲/۳۳** (۰/۰۲)			
آماره هاسمن (معناداری)	۸/۴۷ (۰/۱۳)			
دوربین - واتسون	۱/۶۵			

*** و ** به ترتیب معناداری در سطح ۱٪ و ۵٪

نتایج ارائه شده نشان می دهد که عرض از مبدا (۰/۱۳) و ضریب متغیرهای اهرم مالی (۰/۱۷)، اندازه شرکت (۰/۰۱-) و نسبت نقدینگی (۰/۰۴) در سطح ۱٪ و ضریب متغیرهای نرخ بازده دارایی ها (۰/۱۲-) و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (۰/۰۰۳-) در سطح ۵٪ معنادارند. مقدار شاخص عامل تورم واریانس نیز نشان می دهد که متغیرهای مستقل مدل (۲) با هم مشکل همخطی ندارند. همچنین، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۶۵) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد

^۹ - طبق یک قاعده سر انگشتی، وقتی مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای مدل برآورد شده وجود ندارد (افلاطونی، ۱۳۹۲).

شده کاذب نیست و برای آزمون فرضیه فرعی (۲-۱) می توان به آن اتکا نمود. معناداری آماره فیشر (۲۰/۴۵) در سطح ۱٪ بیانگر معناداری کلی مدل تحقیق است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می دهد که متغیرهای مستقل حدود ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می نمایند.

معناداری ضریب متغیر اهرم مالی (۰/۱۷) نشان می دهد که بین اهرم مالی و نرخ موثر مالیات نقدی بلندمدت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این موضوع به معنای عدم رد فرضیه فرعی (۲-۱) است.

با توجه به سطح معناداری اندازه شرکت می توان گفت که رابطه معنادار و منفی در سطح اطمینان ۹۹٪ بین متغیر اندازه شرکت و نرخ موثر مالیات نقدی بلند مدت وجود دارد. همچنین با توجه به سطح معناداری سودآوری می توان گفت که رابطه معنادار و منفی در سطح اطمینان ۹۵٪ بین متغیر سودآوری و نرخ موثر مالیات نقدی بلند مدت وجود دارد. و با توجه به سطح معناداری نسبت نقدینگی می توان گفت که رابطه معنادار و مستقیم در سطح اطمینان ۹۹٪ بین متغیر نسبت نقدینگی و نرخ موثر مالیات نقدی بلند مدت وجود دارد و در آخر با توجه به سطح معناداری نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام می توان گفت که رابطه معنادار و منفی در سطح اطمینان ۹۵٪ بین متغیر نسبت ارزش بازار به دفتری سهام و نرخ موثر مالیات نقدی بلند مدت وجود دارد.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

۵-۱. مقایسه نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

در این پژوهش فرضیه اصلی اول یعنی وجود رابطه بین اهرم مالی با اجتناب مالیاتی در شرکت ها می باشد. این فرضیه خود به دو فرضیه فرعی به شرح زیر تقسیم می شود.

که با توجه به نتایج بدست آمده در فصل قبل دو فرضیه تایید گردید.

در فرضیه فرعی اول رابطه بین اهرم مالی با نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR) در شرکت ها بیان شده است که با توجه به نتایج بدست آمده این فرضیه تأیید می گردد.

این نتیجه با یافته های تحقیق تائو زنگ (۲۰۱۰) یکسان می باشد تحقیق تائو زنگ نشان می دهد که رابطه مثبت و معناداری بین نرخ مؤثر مالیاتی با اهرم مالی وجود دارد. اگر چه هزینه های بهره، مالیات کاه هستند ولی تحقیق تائو زنگ نشان می دهد که رابطه مثبت و معناداری بین نرخ مؤثر مالیات و اهرم مالی شرکت وجود دارد. یکی از علت های این نتیجه می تواند ناشی از این امر باشد که هزینه های بهره تعهدی هستند و تا زمانی که پرداخت نشوند از نظر مالیاتی باعث کاهش مالیات نمی شوند.

همچنین با نتیجه تحقیق گل محمدی شورکی (۱۳۹۱) همخوانی دارد. نتایج تحقیق او نشان می دهد که میانگین نرخ مؤثر مالیات با در نظر گرفتن تمام شرکتهای تحقیق به نرخ قانونی مالیات بر درآمد نزدیک می باشد. هم چنین نتایج تحقیق وی حاکی از آن بود که بین نرخ مؤثر مالیات و اندازه شرکت و سودآوری رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و با اهرم مالی رابطه مستقیم و معنی داری برقرار است. با توجه به شرایط تجاری و اقتصادی ایران معمولاً " همه بدهی ها مشمول بهره (سود تضمین شده) نمی شود. به هر حال رابطه به دست آمده نیز خارج از تحلیل نیست، چرا که عمده خریدهای شرکت های ایرانی متناسب با شرایط کشور به صورت اعتباری خریداری می شوند و این خود باعث بالا رفتن اهرم مالی شرکت ها و در مقابل موجودی ها می شود و موجودی کالا نیز تأثیر مستقیم بر سود گذاشته و باعث افزایش بدهی مالیاتی می شود.

در فرضیه فرعی دوم رابطه بین اهرم مالی با نرخ مؤثر مالیات نقدی بلند مدت (LCETR) در شرکت ها بیان شده است که با توجه به نتایج بدست آمده این فرضیه تأیید می گردد.

۵-۲. پیشنهادهایی با توجه به اهداف پژوهش :

۱. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش انجام شده به سرمایه گذاران، تحلیل گران و سهامداران توصیه و پیشنهاد می گردد که اهرم مالی را به عنوان یک عامل تأثیر گذار در اجتناب مالیاتی شرکت ها مد نظر قرار دهند و برای شرکت هایی که از این مزیت بهره بیشتری دارند نسبت به سایر شرکت ها ارزش بیشتری قائل شوند و نرخ مؤثر مالیاتی شرکت ها را نیز مورد توجه قرار دهند.

۲. با توجه به نتایج این تحقیق در زمینه تأثیرات اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی به مقامات مالیاتی کشور پیشنهاد می شود که زمینه های لازم مبتنی بر اجتناب را به طور مشخص تعیین نمایند تا گاهاً فعالیت هایی که منجر به فرار و گریز مالیاتی می گردد در این حوزه وارد نشود و مرزهای این دو میحث را به طور شفاف برای سرمایه گذاران و صاحبان صنایع تعریف نمایند.

۳. به میزان مالیاتی پیشنهاد می شود که با اندازه گیری نرخ مؤثر مالیات نقدی و نرخ مؤثر مالیات نقدی بلند مدت، اجتناب مالیاتی یا فرار مالیاتی شرکت ها را نیز مورد بررسی قرار دهند.

۴. به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می شود تا گزارش حسابرسی مالیاتی، مالیات تشخیصی و نیز مالیات قطعی و نرخ مؤثر مالیات نقدی را در صورت مشخص بودن به همراه صورتهای مالی اساسی ارائه و افشا نمایند.

۵-۳. پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی :

۱. پیشنهاد می گردد اجتناب مالیاتی برای صنایع مختلف در بورس به صورت مجزا شناسایی شود تا میزان اجتناب قابل اعمال در هر صنعت درک شود.

۲. پیشنهاد می شود اثرات ساختار مالکان نهادی بر رابطه بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی بررسی شود.

۳. در این پژوهش رابطه بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی سنجیده شده است ، پیشنهاد می گردد پژوهشگران آتی رابطه هزینه سرمایه و اجتناب مالیاتی را سنجش نمایند.

۴. در این پژوهش رابطه بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی سنجیده شده است ، پیشنهاد می گردد پژوهشگران آتی رابطه هزینه بدهی و اجتناب مالیاتی را سنجش نمایند.

۵. پیشنهاد می شود اجتناب مالیاتی را در سطح شرکتهایی که بیش از ۵۰ درصد مالکیت آنها متعلق به دولت یا شرکتهای وابسته به دولت می باشد را با اجتناب مالیاتی در شرکتهایی که بیش از ۵۰ درصد سهام آنها متعلق به بخش خصوصی است مقایسه و تحلیل شود.

منابع و مراجع

- [۱] ایزدی نیا، ناصر و امیر رسائیان (۱۳۸۸)، "ساختار سرمایه و مالیات بر درآمد شرکت ها در ایران"، پژوهشنامه مالیات، شماره چهارم، سال هفدهم (شماره پیاپی ۵۲)، صص ۳۱-۴۳.
- [۲] پژویان، جمشید و مارال اسکندری، "اثرات انتظاری معرفی مجدد مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد ایران"، پژوهشنامه مالیات، تابستان ۱۳۹۱.
- [۳] حساس یگانه، یحیی و مجتبی گلمحمدی شورکی، (۱۳۹۰)، "رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی های شرکت ها"، مجله حسابداری سال بیست و یک.
- [۴] خدای پور، احمد، هوشمند زعفرانی، رحمت اله، دلداری، مصطفی، "بررسی تاثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر سیاست تقسیم سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران"، پژوهشنامه مالیات، بهار ۱۳۹۲.
- [۵] رضایی، فرزین و محسن قنایی نژاد، "بررسی رابطه شفافیت در گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت ها"، ۱۳۹۱.
- [۶] شهسوارزاده، محمد (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه اجتناب مالیاتی و ساختار مالکیت نهادی با هزینه سهام عادی و ارزش شرکت ها"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، مرکز آموزش عالی کار واحد قزوین.
- [۷] عرب مازار علی اکبر، طالب نیا قدرت ا...، وکیلی فرد حمیدرضا، صمدی لرگانی محمود. "بررسی تأثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی" حسابداری مالی بهار ۱۳۹۰، ۸۳-۶۷.
- [۸] عرب مازار، علی اکبر و مریم گل محمدی و بهروز باقری، "سطح تمکین مالیاتی، مهم ترین شاخص دستیابی به یک نظام مالیاتی مطلوب و کارآمد"، پژوهشنامه مالیات، زمستان ۱۳۹۱.
- [۹] میرزازاده، میثم (۱۳۹۲)، "بررسی ارتباط بین سودآوری و اجتناب مالیاتی در شرکتهای عضو بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات کردستان.
- [۱۰] نوروش، ایرج و سیما یزدانی (۱۳۸۹) "بررسی تاثیر اهرم مالی بر سرمایه گذاری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹، صفحات ۴۸-۳۵.
- [11] Bahl, R.W, and Bird, R.M. (2008). " Tax policy in developing countries: looking back – and Forward". National Tax Journal, vol.LXI, 2, pp. 279-302.
- [12] Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. and Shevlin, T. (2010). " Are Family Firms More Tax Aggressive than Non-Family Firms?" Journal of Financial Economics, 95, 41–61.
- [13] Chen,b.1,(2003). "tax evasion in model of endogen ous growth". review of economic dynamics, vol.13,nol.pp381-403
- [14] Christine Harrington The University of Tampa and Walter Smith The University of Tampa (2012), " Tax avoidance and corporate capital structure "
- [15] Desai, M. and Dharmapala, D. (2009b). " Earnings Management, Corporate Tax Shelters, and Book-Tax Alignment" . National Tax Journal, 62, 169–186. 54 . Desai, M.A.,Dharmapala, D.,(2006). "Corporate tax avoidance and high powered incentives". Journal of Financial Economics 79, 145–179.
- [16] Dyreng, S.D., Hanlon, M. and Maydew, E.L. (2007). "Long-run corporate tax avoidance". The Accounting Review, vol. 83, 1, pp. 61-82.
- [17] Dyreng, S.D., Hanlon, M. and Maydew, E.L. (2008). " Long-Run Corporate Tax Avoidance". The Accounting Review, 83, 61-82.
- [18] Graham, J., Tucker, A., 2006. "Tax shelters and corporate debt policy". J. Fin. Econ. 81, 563–594.
- [19] Guenther, D. A., E. L. May dew and s.e. Nutter (1977), "Financial reporting, tax costs, and book-tax conformity", Journal of Accounting and Economics, No. 23, PP. 225-248.
- [20] Gupta, S, and Newberry, K. (1997). " Determinants of the variability in corporate effective tax rate: evidence from longitudinal data" . Journal of Accounting & Public Policy, vol. 16, pp. 1-39.

- [21] Hanlon, M. and Heitzman, S. (2009). " A Review of Tax Research". Journal of Accounting and Economics, Forthcoming.
- [22] Hanlon, M. and Slemrod, J. (2009), "What Does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about Tax Shelter Involvement". Journal of Public Economics, 93,
- [23] Hanlon, Michelle, and zHeitzman, Shane (2010), "A review of tax research" , Journal of Accounting and Economics , vol. 50,
- [24] Jordi, c., Judith, P,(2004), "inflation, tax evasion, and the distribution of consumption", dreview of acconomic and statistical, no4.122.pp 567-595
- [25] Kim, J.B. and Zhang, L. (2010). "Does Accounting Conservatism Reduce Stock Price Crash Risk? Firm-Level Evidence" . Availble at URL: Http://Www.Ssrn.Com
- [26] Kutner, Nachtsheim, Neter, Applied Linear Regression Models, 4th edition, McGraw-Hill Irwin, 2004
- [27] Lim, Youngdeok,(2011)." Tax avoidance, cost of debt and shareholder activism: Evidence from Korea", Journal of Banking & Finance 35,
- [28] Rego, S.O and R. Wilson 2008. "Executive compensation, tax reporting aggressiveness, and future firm performance". Working paper.
- [29] Siegfried, J. J. (1974). " Effective average U.S. corporation income tax rates". National.
- [30] Zimmerman, J. (1983), "Taxes and firm size", Journal of Accounting and Economics, vol.5,
- [31] Kutner, Nachtsheim, Neter , Applied Linear Regression Models ,31. th edition, 4 McGraw-Hill Irwin, (2004)jj.